

کد خبر: ۲۶۶۱۴۱

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶



امیرحسن چهل تن جایزه بین المللی خانه فرهنگ‌های جهان در برلین را دریافت کرد

بالزاک ایرانی

علی عبداللهی

۱ امیرحسن چهل تن، با رمان «محفل عاشقان ادب» جایزه بین‌المللی خانه فرهنگ‌های جهان در برلین را از آن خود کرد و این خبر شیرینی است برای ما، در این روزهای تلخی منتشر در سرزمین ما و در همه جای دنیا. چهل تن از نویسندگان تیزبین، پرتلاش و مطرح ایرانی است که از حدود چهار دهه پیش، قریب پانزده اثر داستانی در قالب رمان و داستان کوتاه به فارسی منتشر کرده و طبعاً خوانندگان فارسی‌زبان با او آشنایی کامل دارند؛ نیازی هم به معرفی او نیست؛ با شنیدن نامش، عنوان‌های «روضه قاسم»، «تالار آینه»، «مهر گیاه»، «تهران شهر بی‌آسمان»، «عشق و بانوی ناتمام»، «سپیده دم ایرانی»، «دخیل بر پنجره فولاد»، «چیزی به فردا نمانده» و... از ذهن مان می‌گذرد و کلی حضور جدی سال‌ها، همگی جزو کارنامه و آثار خواندنی او به شمار می‌روند. بن‌مایه آثار چهل تن، اجتماع، تاریخ و روابط آدم‌هاست با آن در بستر این دو و البته به طور ضمنی رابطه‌شان با قدرت و امر سیاسی، گو اینکه هرگز مستقیماً سیاسی نیست و او نویسنده تماماً سیاسی به معنای حزبی یا مسلکی نیست. آثارش هیچ دخلی به ادبیات فست‌فودی و آپارتمانی و فانتزی یا ساختارگرایان صرف هم ندارد، از این‌رو آثارش پیوسته از سفارش اجتماعی مردم کوچه و بازار برمی‌آید و با واکنش خوب خوانندگان از یک سو و برخورد قهرآمیز مخالفان از سوی دیگر روبه‌رو می‌شود. افزون بر این، سال‌هاست چهل تن از منتقدان متمیزی یا سانسور است. اما از بد روزگار و برخلاف میل نویسنده، از حدود چهارده سال است که دیگر هیچ اثر تازه‌ای از او، -همچنان که از بسیاری نویسندگان دیگر- به فارسی در نمی‌آید و عجالتاً خوانندگان فارسی‌زبان از خواندن آثار او محروم شده‌اند. خب، این مسئله، بنا به دلایلی است که همه می‌دانیم و نیاز به توضیحش نیست.

این واقعه البته، ناکامی و شرمساری بزرگی هم هست، نخست برای تمامت یک زبان و فرهنگ و جامعه، و بعد فقدانی دردناک است برای نویسنده‌ای که نمی‌تواند به زبان مادری‌اش آثار خود را منتشر کند و نخستین خواندگانش، مخاطبان و گویش‌ورانی از زبان‌های دیگر هستند، از دل سنت‌های ادبی دیگر. زمانی بولگاکف این حقیقت مسلم را گفته بود که «دست‌نوشته‌ها هرگز نمی‌سوزند»، چنین است و قطعاً اندیشه مکتوب‌شده بر صفحه سفید را نمی‌توان با هیچ مانعی از میان برد، ممکن است حضورش را به تأخیر انداخت، ولی آن اندیشه آمده که بماند و به‌رغم ممنوعیت‌ها می‌ماند. با این همه، در کنار این خسران بزرگ برای خوانندگان

زبان مادری نویسنده و البته برای خود او، نفس چنین مسئله‌ای، سوبه‌های دیگری هم دارد. چهل تن در این زمینه نخستین نیست، و در زبان‌های دیگر به خصوص اردو گاه شریک سابق، نویسندگانی هم سرنوشت او بسیار بوده‌اند و می‌شناسیم‌شان و حتی همین امروز هم هستند. اما در زبان فارسی شمار ممنوعات زیاد است و چهل تن یکی از آنهاست؛ چند نویسنده ایرانی در مواجهه با این تقدیر و به‌طور نسبی از موفق‌ترین‌ها در انتشار آثارش در زبان دیگر. در چنین حالتی، گاه از دل همین محرومیت، و فقدان؛ نویسنده و کارش صاحب بخت و اعتباری از نوع دیگر می‌شوند، در این میان فرصتی کم‌نظیر فراهم می‌شود که دریچه‌هایی تازه به رویش می‌گشاید. این البته در نگاه کلی، و به‌گونه‌ای متناقض‌نما، بختی ثانوی برای زبان فارسی و فرهنگ ایرانی هم هست، و بی‌تردید در کنار بازتاب میزان مدارا و وسعت نگاه زبان‌های دیگر و جوامع باز، نیز گواهی است کتبی و نازدودنی بر سیر یک دوران، سیر ادب‌اری ناباورانه ولی واقعی، که بعدها آینه‌ای خواهد بود پیش روی منتقدان و جامعه‌شناسان. مهم‌تر از همه نیز فرصتی کم‌نظیر برای هم‌اوردی نویسنده است، با نویسندگانی از سنت‌های ادبی و زبان‌های دیگر، و موفقیت نویسنده، در میدانی فراخ‌تر، در عین حال و از هر جهت دشواری و لذتی دوچندان دارد. موفقیت درخشانی که به‌تازگی ترجمه رمان آخر چهل تن در حوزه زبان آلمانی به دست آورده، از این جمله است: دریافت جایزه بین‌المللی سال ۲۰۲۰ خانه فرهنگ‌های جهان در برلین. خانه‌ای مطرح در بازتاب رویدادهای فرهنگی معاصر جهان، بی‌شائبه ارتباطش با دولت آلمان و دولت‌های دیگر. امسال شش کتاب از شش نویسنده به مرحله نهایی این جایزه راه یافتند که به علت رقابت تنگاتنگ این آثار، کیفیت ادبی بالای همه‌شان، و اهمیت هر کدام در جای خود، هیئت‌داوران تصمیم گرفت جایزه را به هر شش اثر بدهد و هر شش اثر را برنده اعلام کند. طیفی رنگارنگ از آثار ملل مختلف! این آثار از زبان فارسی، روسی، بلغاری، فرانسوی، و انگلیسی (دو کتاب) از سراسر جهان به آلمانی ترجمه و منتشر شده‌اند و از تمام قاره‌ها در این مسابقه حضور داشتند. همان‌طور که نوشتیم کتاب‌ها از نظر ساختاری و موضوعی، بسیار متنوع و رنگارنگ بودند، و درست هم‌سو با سرشت خانه فرهنگ‌ها، آن‌هم در عصر همه‌گیری جهانی و مسائل مشترک.

۲ واضح است به دنبال وضعیتی که از کار چهل تن در بالا به‌اختصار نوشتیم، برای بررسی کارنامه خلاقیت چهارده سال اخیر او، شوربختانه چاره‌ای نمی‌ماند جز گرفتن رد او و نوشته‌های تازه‌اش در زبان‌های دیگر به‌ویژه در زبان آلمانی. چهل تن را با ترجمه هفت رمان، یک مجموعه جستار و ده‌ها نوشته درباره مسائل ادبیات، فرهنگ و جامعه ایران در روزنامه‌ها و مجلات مختلف آلمانی‌زبان، از جمله در «زوددویچه»، «فرانکفورتر آلگه ماینه» و «دی تسایت»، شاید بشود در کنار چند چهره اخیر دیگر ایرانی، و البته برخی سابق‌تر مانند دولت‌آبادی، مرادی کرمانی، مندنی‌پور، معروفی، گلشیری، پیرزاد، حاج سید جوادی و فریبا وفی، با فاصله بیشتر از آنها، امروز و در این سال‌ها، پُرخواننده‌ترین نویسنده فارسی‌زبان در چند سال اخیر در آلمان به شمار آورد. و این به دلیل حضور مستمر او است دست‌کم از دوازده سال پیش در محافل ادبی، نمایشگاه‌ها، و هفت رمانی که در بازه زمانی ده‌ساله از او به آلمانی منتشر شده‌اند. کتاب تازه‌اش نیز مثل اغلب کارهایش در نشر «بک»، از ناشران مشهور و بزرگ درآمده است:

رمان «محفل عاشقان ادب» در ۲۵۲ صفحه، رمانی است پُرکشش و خواندنی با زبانی روان و پر از اشارات تاریخی. داستان این رمان

توبیوگرافیک، تاریخی تحلیلی و منتقدانه است، که با زبان جذاب و ترجمه خوب، از اواخر کودکی و اوان نوجوانی نویسنده آغاز می‌شود، از توصیف اتاق و پنجشنبه‌هایی شروع می‌شود که دوستان والدین راوی برای بحث و بررسی و گپ‌زدن درباره ادبیات به خانه‌شان می‌آیند. هر پنجشنبه، هشت میهمان به خانه نویسنده می‌آیند، هشت ادبیات‌دوست آشنا، و هشت دلباخته زبان، تا به اتفاق پدر و مادر و بعدها به اتفاق خود راوی از ادبیات صحبت کنند. آنها ترجیحاً درباره ادبیات کلاسیک و کهن فارسی صحبت می‌کنند، از مولوی، حافظ، سعدی، فردوسی و دیگران. سال‌ها این نشست‌ها ادامه می‌یابد و در این میان، فضایی باز می‌شود برای سخن گفتن از زبان فارسی، شعر، نقد و تفسیر مضامین بزرگ حول وحوش زندگی و فرهنگ. همین مباحث است که شرکت‌کنندگان آن جلسات را به هم پیوند می‌دهد، از جوانب گوناگون به هم می‌تندشان و مثل کلافی در هم می‌پیچدشان و خرده‌وقایع رمان حول همان‌ها شکل می‌گیرد. و بعدها به نحوی پای دولت نیز به محفل‌شان باز می‌شود. سال‌های آغاز شکل‌گیری داستان دهه پنجاه شمسی است، دوران شکوفایی ادبیات مدرن در ایران و البته حاکمیت شاه با دم‌دستگاه فشار و سازمان امنیت (ساواک) بر کشور. سپس انقلاب اسلامی از راه می‌رسد و از سال پنجاه‌وهفت ماجرا تغییر می‌کند.

امیرحسن چهل‌تن در این داستان فشرده و جزئی‌نگر، مدام به همین محفل گریز می‌زند و به گفت‌وگوهای آنها در مورد شعر، نقش والدین خود، نوشته‌های خود و تأثیر ادبیات و شکل‌گیری شخصیت خودش می‌پردازد. این رمان به نوعی تحلیل دوران جوانی و مناسبات نسل‌ها هم هست، سرشتی یادمانی و هشدارگر دارد، و در باور نویسنده در این رمان، ادبیات قدیمی‌تر و حکیمانه‌تر، طنزآمیزتر و برانگیزاننده‌تر است، و از وجوه مختلف نیز از جمله تنانگی و مسائل روانی فضاهایی به مراتب گشاده‌دست‌تر از آموزه‌های اخلاق رسمی و ملزومات و جبرهای اجتماعی به روی راوی و شکل‌گیری جهان نویسنده می‌گشاید. از این رو بسیاری جزئیات خواندنی رمان در حول وحوش همین‌هاست که شکل می‌گیرد و اثر را از توصیف صرف یک انجمن ادبی، شرکت‌کنندگان آن و نقل زندگینامه‌ای راوی -نویسنده بسیار فراتر می‌برد.

پیش‌تر رمان «خوشنویس اصفهان» هم از چهل‌تن به آلمانی درآمده بود که بن‌مایه آن هم واقعه‌ای تاریخی است. این رمان به دوران صفویه برمی‌گردد و روایتی داستانی از هشت ماه محاصره اصفهان است. دوران سیاهی که مردم از قحطی و گرسنگی به خوردن سگ و گربه روی آورده بودند و در مواردی قصابی‌ها گوشت آدم می‌فروختند. نویسنده جایی می‌گوید: «از این دوران خوشبختانه اسناد و گزارش‌های معتبری باقی مانده تا بتوانیم تصویر کمابیش روشنی از آن به دست دهیم. فاجعه مهیبی در تاریخ ما که به جماعتی چند هزار نفره از افغان‌ها اجازه داد یک کشور پراهمیت را به زانو درآورند. البته برای من درام اهمیت دارد. حوادث تاریخی تنها بستر یا زمینه‌ای می‌سازند برای حرکت و دادوستد انسان‌های واقعی».

قهرمان اصلی، نوه خوشنویس نامداری اهل اصفهان است، که در شرایط غم‌انگیز قحطی و فلاکت خیال دارد با فروختن شاهکارهای خوشنویسی پدر بزرگش به پولی برسد، تا دست کم بتواند جان خودش را از مهلکه به در ببرد، اما پی می‌برد که در آن شرایط جهنمی، هنر هیچ خریداری ندارد و «رقعه‌های نفیس پدر بزرگ به اندازه یک دانه خرما هم ارزش ندارند». او در خلال این

داستان، سخت دل‌باخته دختری «یاسمن» نام است؛ داستان عاشقانه‌ای در دل ادبار و شرایط مصیبت‌بار. در ضمن بستر داستان در دورانی است که به تعبیر ضمنی نویسنده، اوج رونق کار ریاکاران هم هست از یک‌سو، و غوطه‌خوردن جامعه در پلشتی و تباهی از دیگر سو. و سوسوی عشق در یک موقعیت آخرالزمانی... تناقضی ناب ایجاد می‌کند.

کتاب دیگر او که در همین دو سال اخیر به زبان آلمانی منتشر شده، «طوطی سمج» است که باز هم رمانی تاریخ‌محور است، بر پایه خاطرات و مشاهدات نویسنده از وقایع اوایل انقلاب. نویسنده در این رمان محله‌ای را خلق می‌کند، در روزهای پیش از انقلاب و رویداد تا ماجرای گروگان‌گیری در سفارت امریکا ادامه می‌یابد. به قول نویسنده، «بیشتر رویدادها واقعی است، اما برای روایت رویدادها آدم‌ها یا تیپ‌هایی خلق کرده‌ام که برای بیشتر خوانندگان آشنا هستند. و منتقدین آلمانی آن را یک داکو فیکشن نامیده‌اند.» عنوان کتاب هم گرت‌برداری از یک ماجرای واقعی است: «بر اساس خبر روزنامه‌های آن دوران موقع مصادره کاخ شمس پهلوی، یک طوطی یافتند، که ورد زبانش جاوید شاه بود و هر چه سعی کردند این عبارت را از زبانش ببندازند، موفق نشدند».

«تهران خیابان انقلاب»، «تهران آخرالزمان (نام دیگر: «آمریکایی کشی در تهران»)» و «تهران شهر بی‌آسمان»، ترجمه سه‌گانه چهل‌تن به آلمانی است که باز هم در نشر «بک» درآمده. وقایع این رمان‌ها نیز در تهران می‌گذرد. اصولاً چهل‌تن را شاید بشود از وجهی، به حق «نویسنده تهران» نامید، زیرا به قول خودش بیشتر وقایع تاریخ معاصر در این شهر اتفاق افتاده و لاجرم برای شناخت تاریخ ایران باید این شهر را شناخت و از سوی دیگر، او اهل تهران است و نویسنده از شهری که می‌شناسد و در آن زندگی می‌کند قطعاً بهتر می‌تواند بنویسد و شاید باید هم بنویسد.

۳ واقعت این است که سال‌های اخیر نویسندگی چهل‌تن، جز چند جدید چاپ کارهای گذشته، سال‌های سکوت و بی‌رد پای او در حوزه نشر رسمی در زبان فارسی است، ولی سال‌های سکوت و دست روی هم گذاشتنش نیست، بلکه فعالیت او همچنان با جدیت ادامه دارد و هم‌زمان باعث حضور بسیار پررنگ او در حوزه زبان‌های دیگر به‌ویژه زبان آلمانی شده است. از این رهگذر هم نویسنده توانسته با چاپ یادداشت‌ها و مقالاتی در روزنامه‌های آلمانی، به صورت مداوم و پیگیر، دیدگاه‌های خودش را برای مخاطبان تبیین کند، و با آنها گفت‌وگویی سامان دهد، و هم منتقدان و مطبوعات آلمانی و مترجمانش، بسیار از آثار او گفته و نوشته‌اند. معمولاً در آلمان رسم بر این است که چاپ اول آثار را با جلد سخت منتشر می‌کنند و در صورت استقبال اثر، آن را در شمارگان بیشتر و با جلد نرم هم باز نشر می‌کنند. سه‌گانه چهل‌تن، توفیق چاپ‌های بعدی را داشته و با جلد نرم هم منتشر شده است. منتقدان آلمانی زبان، هر کدام از منظری به آثارش پرداخته‌اند، جایی او را «بالزاک ایرانی» گفته‌اند، جایی دیگر «نشان‌دهنده روح انسان معاصر ایرانی و کاونده خلق و خواهی مردمان کوچه‌وبازار» و نیز «نقب‌زننده به تاریخ معاصر و روان شخصیت‌های مختلف».

صرف‌نظر از چند مقاله، بیشتر آثارش را سوزانه باغستانی، کورت شارف و یوتا هیملرایش ترجمه کرده‌اند که هر سه از مترجمان خوب زبان فارسی به آلمانی هستند، از این‌رو، سهم آنها در ارائه مقبول آثار چهل‌تن را نباید نادیده گرفت. منتقدان، رمان‌های

چهل تن را «داستان‌ها و ایزودهایی فراهم آمده در زبانی فشرده و پرکشش و تجسمی، متشکل از سایه‌روشن‌های متغیر سرشار از شخصیت‌های متنوع» دانسته‌اند در «زبانی واگوی تناقضات سرزمین ایران، زبانی متأثرکننده، حسی و شناخت‌مند و در نوسان میان آبرونی، سرسختی و اندوه.» و نویسنده نشان می‌دهد که تاریخ و رویدادهای روزمره تا چه حد بر زندگی شخصیت‌های رمان‌هایش تأثیر می‌گذارند و سمت‌وسوی آنها را مشخص می‌کنند. او در پی یافتن و تحلیل دلایل از دست رفتن فرصت‌هایی است که در تاریخ معاصر برای آزادی و توسعه سرزمینش از کف رفت و نیز رؤیاهای و تروماهای مرتبط با همین مضمون جزو دغدغه‌های او به شمار می‌رود. «او ضمن پرداختن به جایگاه زنان، به روان شخصیت‌ها نیز می‌پردازد و پرده از زوال اخلاقی جامعه‌ای در حال گذار برمی‌دارد. و تواناست در بیان ناکجای اخلاقی‌ایی که شخصیت‌های او به سمت آن روان‌اند.» و البته کار او «تجسم روشنگری مالیخولیایی با آمیزه‌ای از متون غنی بیانگر شادی و غم و زیبایی و گروتسک» است. یعنی بهره از ادبیت و امر اجتماعی... اینها بخش‌های بسیار فشرده و تلخیص‌شده و نقل به مضمون از بازتاب‌های آثار نویسنده در میان منتقدان آلمانی زبان است.

چهل تن در رمان اخیرش، به نظرم با نوعی بینامتنیت ضمنی و زیرپوستی خواننده غربی را با جایگاه شاعران کلاسیک در زندگی مردم و زیست معمول نه از زبان ادبا و استادان ادبیات، بلکه از زبان متخیل نویسنده در بستر داستان آشنا می‌کند که این یکی از دستاوردهای مهم اوست و او از این طریق، رشته پیوند انسان ایرانی با کلاسیک‌ها را نشان می‌دهد و خوانندگان را با حافظ و مولوی و فردوسی‌های دیگر و تازه‌تر آشنا می‌کند که خارج از حوزه نقدها و معرفی‌های شرق‌شناسان دانشگاهی قرار دارد. او انسانی تاریخی-ادبی را خلق می‌کند که هم تاریخ خاص خودش را روایت می‌کند و هم ادبیات خاص خودش را.

۴ هیئت‌دوران معمولاً در مورد آثار نهایی کاندیدشده چندخطی می‌نویسند که بخشی از آن کلی است و ناظر بر فضاهای متنوع آثار مختلف است، و بخشی مختصر از آن اختصاصاً به هر کدام از آثار مختلف می‌پردازد. در مورد رمان «محفل عاشقان ادب» اختصاصاً خانم ورنالوکن مختصری نوشته و از آن به کتابی یاد کرده که لزوماً خودش را به فرم رمان مقید و پایند و مسلماً محدود نمی‌کند، بلکه بر پایه خاطرات مستند از زندگی نویسنده، یک اتوبیوگرافی یا حسب‌حالی فراتر از معمول شکل می‌گیرد؛ از حدود پانزده‌سالگی نویسنده شروع می‌شود و در حول و حوش وقایع انقلاب نویسنده پا به بیست‌سالگی می‌گذارد، از این‌رو این دو دوره را بازتاب می‌دهد، و ادبیات در مرکز اثر قرار دارد، مشخصاً ادبیات کلاسیک اما نه با خوانش رسمی و معمول، بخش‌هایی جذاب و ناگفته از آن، پشت‌وپسله‌های غنایی و احساسی که درعین‌حال به معنای فراخ‌تر، نوعی کتاب دوگانه را می‌سازد با ترجمه خوب و درخشان خوش‌آب‌ورنگ یوتا هیملرایش. این کتاب هم مثل بیشتر کتاب‌های چاپ‌شده نویسنده، به زبان اصلی منتشر نشده است.

موفقیت‌امیرحسن چهل تن قاعدتاً موفقیت تلاش‌های اوست در مداومت و پیگیری ادبیات به صورت حرفه‌ای آن در زمانی که در کشور ما به انواع‌واقسام موانع، نویسنده را از حرفه‌ای شدن باز می‌دارند، و موفقیت نظم و پشتکار و شبکه پیوندهای جهانی است. اما درعین‌حال، موفقیتی شایان نیز برای ادبیات معاصر ایران هم هست که متأسفانه به دلایل عدیده در جهان کمتر شناخته شده است.

موفقیتِ هر نویسنده و شاعر ایرانی، باید قاعدتاً همه ما را هم خوشحال کند، دست کم من چنین می‌اندیشم و شاید بسیاری دیگر بر همین نظر باشند. ضمن آرزوی کامیابی‌های بیشتر، این موفقیت را به ایشان شادباش می‌گوییم.